

فهرست

سر سخن

آسیب‌شناسی مقاله‌نویسی، چاپ، تجدید چاپ، نشر و توزیع کتاب (۲۵)..... ۳-۴

جستار

حکم آستانه شیخ ابواسحاق کازرونی (۸۲۶ق) / عمادالدین شیخ‌الحکامی ۵-۹

کریم خراسان کیست؟ / سید علی میرافضلی ۱۰-۱۱

زندگی‌نامه منظوم عبدالقادر مراغی به قلم خودش؛ معرفی یک سند، همراه با یادداشتی مقدماتی /

علی فردوسی ۱۲-۱۷

گزارش برگدال از کشف و استرداد نسخه‌های خطی مسروقه کتابخانه سلطنتی / محمدصادق

میرزا ابوالقاسمی ۱۸-۲۲

کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده کاغذ ابری / علی صفری آق‌قلعه ۲۳-۳۶

حذف حرف عطف و یکی از ساخت‌های نامأنوس دستوری در شعر کهن / مسعود راستی‌پور ۳۷-۴۱

شاهنامه فردوسی در بافت عصر غزنوی / آ. سی. اس. بیگاک؛ ترجمه: حمیدرضا حکیمی ۴۲-۵۶

فارسی یهودی کهن در میانه فارسی میانه و فارسی دری کهن؛ بازآزمایی یک فرضیه مشهور / لودویگ پاول؛

ترجمه: ستایش دشتی ۵۷-۶۳

کاتب نسبت خرقه شاه‌نعمت‌الله ولی در المشیخه‌خاندان حثوثی یزدی / محمدرضا ابوبی مهریزی ۶۴-۶۸

برگی از تاریخ (۲)؛ معرفی نامه‌ای از حسنعلی خان گروسی (امیرنظام) / محمدجواد جدی ۶۹-۷۱

پرده ماده یا پرده یاده؟ / یاسر دالوند ۷۲-۷۳

ثبت کتیبه‌های حکومتی فرهادمیرزا معتمدالدوله در ولایت کردستان / جواد ددهجانی ۷۴-۷۹

تیتی و میتی / ایمان منسوب بصری، حسن زیاری ۸۰

چهارپاره / علی صفری آق‌قلعه ۸۱-۹۴

طاق گزا؛ جای‌نامی در خسرو و شیرین نظامی / علی کریم‌زاده ۹۵-۹۶

نقد و بررسی

بررسی انتقادی تصحیح کفایة الطب حبیبش تغلیسی / عرفان‌جوینة بهروز ۹۷-۱۱۷

چند انتقاد واجب از فصل دوم کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ۱۱۸-۱۲۲

باز چاپ پرتوستان یا مصداقی برای خورشید به گل اندودن / محمدابراهیم ایرج‌پور ۱۲۳-۱۳۳

نگاهی دوباره به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زیده‌الافکار (بخش شیراز و نواحی آن) / مرتضی موسوی ۱۳۴-۱۴۱

ملاحظات در فهرس جدید کتابخانه ملی ایران / مصطفی درابنی ۱۴۲-۱۵۳

توضیحاتی درباره دیوان منوچهری به تصحیح سعید شیری و بازنگری در تصحیح برخی ابیات

منوچهری / راهبه آبدان ۱۵۴-۱۶۶

چاپی نه در خور متن از متنی نه در خور چاپ! / علی شاپوران ۱۶۷-۱۷۴

از کشفیات در اشعار کسایی تا سرقات از یافته‌های ریاحی! / محسن شریفی‌ضحی ۱۷۵-۱۸۰

تکمله‌ای بر مقاله «کهن‌ترین مکتوب تاریخ‌دار فارسی» / سلمان ساکت ۱۸۱-۱۸۲

تصحیح و بازخوانی عباراتی از جواهرنامه نظامی / اکبر حیدریان ۱۸۳-۱۸۶

فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه و مرکز اطلاعات آکادمی علوم مجارستان / مزده محمدی ۱۸۷-۱۹۰

پژوهش‌هایی در باب تحقیق

ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۳) / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ۱۹۱-۱۹۸

ایران در متون و منابع عثمانی (۱۷)

زندگی و آثار خورشیدپاشا / نصرالله صالحی ۱۹۹-۲۰۱

درباره نوشته‌های شمشین

درباره «ولادت خواجه به روایت خواجه» / لیلی وهرام ۲۰۲-۲۰۷



۷۸ - ۷۹

فصلنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی دوره سوم، سال دوم، شماره یکم و دوم بهار - تابستان ۱۳۹۶ [انتشار: زمستان ۱۳۹۷]

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ

نقره‌آبی

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

gozresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۱۵۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: انجامه دستنویسی از ترجیع‌بند جامی (نسخه W651 موزه هنری والترز، نستعلیق ممتاز محمدزمان تبریزی، مورخ ۹۹۸ هجری)

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands



صور فلکی دایرة البروج قرار داشته‌اند و توضیحاتی درباره وضعیت صورت فلکی مجاور صور دایرة البروج می‌آورد. دو بیت نخستین درباره جایگاه خورشید هنگام تولد شاعر است:

شه خنجرکش پیروزه ایوان
چو زد زرین علم در کاخ کیوان
به جدی آورده رخ بر عزم نخجیر
نشانده در بز کوهی سر تیر

از این ابیات بر می‌آید که خورشید در برج جدی، که در نجوم قدیم خانه زحل است، قرار دارد و به تعبیر شاعر سر تیر را در برج جدی نشانده است. در بیت بعدی آمده:

فلک تیر از کمان بیرون جهانده
شه و دستور بر یک قله رانده

مدبری در این بیت تیر را سیاره عطارد و شه و دستور را ماه و خورشید دانسته و اینطور نتیجه گرفته که عطارد در برج قوس است و ماه و خورشید را به برج جدی رانده است. این نتیجه گیری دو اشکال دارد: یکی اینکه طبق بیت تیر از کمان بیرون جهیده، یعنی از صورت فلکی قوس خارج شده است و دیگر اینکه اگر منظور از دستور، ماه (قمر) باشد، در ابیات بعدی تصریح شده که وقت تولد خواجه، ماه در صورت فلکی سنبله بوده است. چون این جرم آسمانی نمی‌تواند در لحظه واحد در دو صورت فلکی جدی و سنبله حضور داشته باشد، می‌توان نتیجه گرفت که جایابی نخست نادرست است. این اشتباه از آنجا آمده که به مصراع اول بیت، بیرون جهیدن تیر از کمان، یعنی صورت فلکی قوس، توجه نشده است. معنی بیت چنین است: بر اثر تیری (عطارد یا سهم) که از کمان (قوس) پرتاب شده، شاه (خورشید) و دستور (عطارد)

درباره «ولادت خواجه به روایت خواجه»

لیلی وهرام

دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران
leilivarahram@gmail.com

در شماره ۷۴-۷۵ فصل نامه حاضر، مقاله‌ای با عنوان «ولادت خواجه به روایت خواجه» از آقای دکتر محمود مدبری (که از این پس ایشان را «نویسنده» خواهیم خواند) به چاپ رسیده که در آن براساس ابیات پایانی مثنوی گل و نوروز و توصیفی که خواجه از جایگاه سیارات و ثوابت در هنگام تولدش به دست داده، وضعیت آسمان در آن زمان مشخص شده است. در نوشته مذکور، برخی نکات نجومی دیگر که می‌توان از ابیات خواجه دریافت مغفول مانده و در نقل مفهوم بعضی ابیات سهوهایی رخ داده است، که در اینجا به آنها می‌پردازیم. چون در آن مقاله، ابیات خواجه بر حسب موضوعشان به سه بخش تقسیم شده‌اند، ما نیز در این نقد از همان تقسیم بندی پیروی می‌کنیم.

نقد بخش اول

خواجه پیش از ذکر تاریخ تولدش اشاره می‌کند که در زمان ولادت او، ماه و خورشید و خمسه متحیره در کدام یک از

نسر واقع یکی از زواید به شمار می‌آمد (بیرونی، ۱۳۵۱: ۵۲۲).
ابیات بعد محل سیاره زهره در دایرة البروج را نشان می‌دهد:

هزارآوی این پیروزه گلشن
که باشد برج شاهینش نشین
به نوبتگاه کیوان کرده آهنگ
زده در دلو چرخ آبگون چنگ

این دو بیت را اینطور معنی کرده‌اند:

زهره... به خانه کیوان (جدی) رفته و در دلو مشغول
چنگ‌نوازی است.

این معنی از نظر منطقی دارای تناقض است، چون ممکن
نیست که سیاره زهره در لحظه واحد در دو برج مختلف
باشد. در نجوم کهن خمسة متحیره به دو برج منسوبند و
اصطلاحاً دو خانه دارند (شهرمدان بن ابی‌الخیر، ۱۳۸۲: ۱۱۸) و
برج جدی و برج دلو هر دو خانه کیوان هستند (همان: ۱۱۹).
پس طبق این ابیات سیاره زهره هنگام تولد خواجه در برج دلو
بوده است.

بی‌توجهی به این نکته که پنج سیاره دو خانه دارند، در تعیین
محل مریخ هم دیده می‌شود:

فکنده چرخ کج رفتار خودکام
به شادروان هرمرز تخت بهرام
سپهدار فلک ترک سنان‌کش
فتاده ماهی از سهمش در آتش،
به تیغ تیز چون شیر شغبناک
زده دنبال از درهای افلاک

سه بیت بالا را اینطور معنی کرده‌اند:

مریخ به خانه هرمز، که قوس است، نشسته و دم جوزهر را که
عقدۀ ذنب مریخ است در همان قوس بریده است. مریخ در دلو
در حضيض است و پس از آن به حوت وارد می‌شود و حوت
هم از ترس مریخ سنان‌کش شغبناک کباب شده است.

این معنی دقیق نیست. این ابیات هیچ ارتباطی با برج قوس ندارد.
برج حوت هم، مانند قوس، خانه مشتری است (همان: ۱۱۹) و طبق
گفته خواجه، در هنگام تولدش مریخ در برج حوت قرار
داشته است. منظور از «دنبال از درهای افلاک» عقدۀ ذنب است،
امانه ذنب مریخ. در اصطلاح نجومی ذنب یکی از دو نقطۀ تلاقی

یکجا (جدی) قرار گرفته‌اند و در بیت دوم، ایهام تناسبی میان تیر
و کمان (اسلحه) و تیر و کمان (سیاره و صورت فلکی) برقرار است.
اینکه شاعر به نشان دادن سر تیر در بز کوهی اشاره می‌کند، نیز،
بیان توأم با ایهام تناسب حضور سیاره تیر در صورت فلکی
جدی است. مشخص است که عطارد به عنوان اختر دبیران
و صاحبان قلم بیش از ماه با لقب دستور فلک تناسب دارد.
در بیت بعدی آمده:

در آن منزل دو کرکس آشیان‌ساز
به سوی عین‌رامی دیده‌ها باز

منظور از دو کرکس دو ستاره نسر واقع و نسر طایر است که
به ترتیب پرنورترین ستاره‌های دو صورت فلکی شلیاق و
عقاب (عبدالرحمان صوفی، ۱۳۹۳: ۶۶، ۱۰۲) هستند. عین‌رامی
نیز سحابی‌ای است که در محل چشم تیرانداز (رامی)، نام
دیگر صورت فلکی قوس، قرار دارد. در توضیح این بیت آمده
که این دو ستاره در دو سمت کهکشان (مجره) واقعند و چون
عین‌رامی در انتهای کهکشان است، خواجه از آن به «چشم
گشودن» تعبیر کرده است.

ستاره نسر طایر، مجاور با یکی از صور فلکی به نام سهم یا
تیر است و موضع آنها در آسمان چنان است که گویی تیر میان
نسر طایر و صورت فلکی دجابه قرار گرفته است (همان: ۱۰۰).
دور از ذهن نیست که شاعر تناسبی میان تیر (سیاره عطارد) و
رامی (کماندار) و نسرین فلک برقرار کرده باشد و به این سبب
نام آنها را آورده باشد. اگر موقعیت دقیق اجزای زایجۀ خواجه
را بر اساس درجه و دقیقه داشتیم و می‌توانستیم همان محاسبات
منجمان برای پیش‌بینی آینده مولود را انجام دهیم، شاید معنی
دقیق‌تری از این بیت درک می‌کردیم. قداماً در نجوم احکامی به
مفهومی به نام «قواطع» معتقد بودند. اگر در تیسیر، یعنی
محاسبه بعد میان دو نقطه به توالی بروج، هنگام استخراج
کمیت عمر به قواطع می‌رسیدند، دلالت بر قطع عمر می‌کرد و
به همین علت به آنها قواطع می‌گفتند. قواطع دو دسته بودند:
اجرام نحس (شامل ستارگان و ثوابت و مانند آنها) و شعاع نحس
(یعنی قرار گرفتن اجرام در زوایای نحس نسبت به هم، مانند تربیع و
مقابله). سحابی عین‌رامی یکی از قواطع بود. در مقابل قواطع،
زواید بودند، که چون تیسیر به آنها می‌رسید بر عمر می‌افزودند
و وقتی به قواطع می‌رسیدند، اثر آنها را خنثی می‌کردند. ستاره

به سوی غرب داشته باشد تا فرس اعظم و برساوش را ببیند. البته موقعیت کواکب در آن زمان، تفاوت‌هایی با آسمان زمان ما داشته، اما وضعیت صور فلکی مذکور از این نظر تغییری نکرده است.

کشیش دیر دیرین، هندوی پیر
چو رای هند کرده رای نخجیر
بدان پیری برون افکنده شب‌دیز
ربوده گوسفند ترک خونریز

منظور از این ابیات حضور زحل در برج حمل، یکی از دو خانه مریخ، است و نه در این دو بیت و نه در بیت‌های پیشین به وضعیت‌های هبوط و شرف و وبال و... اشاره‌ای نشده، گرچه هبوط زحل در حمل، صحیح است. در سه بیت بعد آمده که مشتری از برج جوزا به برج سرطان، که خانه ماه است، وارد شده است، اما منظور ظاهراً این است که مشتری چون تازه وارد این برج شده در درجات آغازین آن قرار دارد و در ابیات خواجه سخنی از شرف این سیاره نیست.

سه سهم از سهام افتاده در چنگ
گشوده شست و برده آب خرچنگ

نویسنده از این بیت نتیجه گرفته است که براساس گفته خواجه، هر برج که سی درجه است شامل شش سهم است و مشتری سه سهم را در دست دارد، یعنی مشتری در پانزدهم برج سرطان واقع است. علاوه بر اینکه خواجه در جایی از شش سهم بروج سخنی نگفته، به نظر می‌رسد منظور از «سهام» اصطلاح نجومی معروف‌تری باشد که در تعیین سرنوشت مولود نقشی اساسی داشته است و از میان موارد گوناگون آن «سهم الغیب» (سهم آفتاب) و «سهم السعاده» (سهم ماه) معروف‌تر بوده‌اند. پنج سیاره دیگر هم مانند آفتاب و ماه سهم داشتند. سهم آفتاب، مثلاً، نقطه‌ای بر دایرة البروج بوده که بعد آن از درجه طالع، طبق توالی برج‌ها، به اندازه بعد خورشید از ماه بوده است. یعنی فاصله میان خورشید و ماه را حساب می‌کردند و به اندازه آن، با احتساب درجه و دقیقه و ثانیه، به درجه طالع می‌افزودند و به نقطه خاصی در دایرة البروج می‌رسیدند. بنابراین این نقطه خاص، که سهم نام دارد، در یکی از بروج دوازده‌گانه قرار می‌گرفت. علاوه بر

مدار سیارات با صفحه دایرة البروج است و قدما ذنب قمر را مدار جوزهر، ازدهایی که پیکر او در دایرة البروج گسترده است، می‌دانستند. این واژه اگر به تنهایی به کار می‌رفت، به نقطه تلاقی مدار ماه با دایرة البروج، همان که «العقدة الجنوبیه» هم خوانده می‌شد، دلالت داشت (بیرونی، ۱۳۵۱: ۱۲۲). این نقطه هم بر حسب حرکت ماه در برج‌های مختلف قرار می‌گیرد و همیشه نحس است (همان: ۳۵۸). بنابراین ذنب هم هنگام تولد خواجه در برج حوت بوده، اما نسبت به مریخ در درجات پایین‌تری قرار داشته است و خواجه این وضعیت را به قطع شدن دم جوزهر توسط مریخ تعبیر کرده است.

در آن چشمه که ماهی رفته در تاب
قضا دوش فرس بنموده از آب

در این بیت، سخنی از طلوع و غروب صورت‌های فلکی نیست و متأسفانه نویسنده نگفته است که طبق کدام منبع غروب صورت حوت هم زمان با طلوع صورت فرس اعظم است. ظاهراً موضوع بیت مجاورت حوت و فرس اعظم در کره سماوی است. یکی از دو ماهی صورت فلکی حوت یا سمکتین، که به «سمکه متقدم» معروف است، بر پشت صورت فلکی فرس اعظم، که خواجه از آن به «دوش فرس» تعبیر می‌کند، و در جنوب آن واقع شده است (عبدالرحمن صوفی، ۱۳۸۱: ۲۰۲). این بیت و بیت بعد ممکن است درباره موقعیت فرد در صدکننده باشند:

به چشم عقل دیده مرد کامل
سر غول از سر شاخ عوامل

سر غول (رأس الغول) نیز یکی از ستاره‌های درخشان صورت فلکی برساوش است و برخلاف نوشته نویسنده صورت فلکی نیست. رأس الغول و چند ستاره دیگر، که سر غول را تشکیل می‌دهند، همه به صورت برساوش تعلق دارند.

ثور و حوت بر محیط دایرة البروج هستند و اگر ستاره جدی (ستاره قطبی، ستاره‌ای که جهت شمال را نشان می‌دهد) از صورت دب اصغر را در نظر بگیریم، صورت‌های برساوش و فرس اعظم در سوی غرب واقعند، طوری که ستارگان صورت فلکی برساوش نزدیک ثریا، که بر دوش و کوهان ثور قرار دارد (ماهیار، ۱۳۹۴: ۹۲، ۱۴۷)، هستند. اگر نقشه آسمان دی ماه، زمان تولد خواجه، را در نظر بگیریم، فرد در صدکننده باید روی

۲۹ تا ۳۲ روز متغیر است (مرکز تقویم دانشگاه تهران، گاه‌شماری جلالی) و به همین علت نرم‌افزارهایی که براساس تقویم خورشیدی فعلی تنظیم شده‌اند، بر اساس تاریخ تولد قمری خواجه به تاریخ ۱۱ دی ماه هجری شمسی می‌رسند. خواجه تاریخ تولد خود را ۱۷ دی ماه جلالی گفته است، نه دی ماه در تقویم خورشیدی فعلی.

پس از تاریخ تولد، خواجه از طالعش می‌گوید:

بز کوهی در آن دم بر کمر بود
شهنشاه فلک زرین‌سپربود
زحل کو بود طالع را خداوند
به برج بره بود افتاده در بند

برخلاف نوشته نویسنده مطلب این دو بیت در ابیات پیشین نیامده است. اینجا، خواجه به طالعش، یعنی آن صورت فلکی که هنگام تولد او بیشترین ارتفاع را در افق شرقی داشته است (شهمردان بن ابی‌الخیر، ۱۳۸۲: ۱۲۰)، اشاره می‌کند. طالع خواجه جدی است، که تصادفاً با ماه تولد او (در باور قدما، برجی که آفتاب هنگام تولد او در آن قرار داشته) یکی است، اما می‌توانسته یکی نباشد، زیرا در یک روز هر یک از برج‌ها به مدت دو ساعت در بالاترین ارتفاع افق شرقی قرار می‌گیرد و تعیین طالع مولود براساس ساعت تولد است، نه ماه تولد.

نقد بخش سوم

ابیات این بخش در بی‌اثر دانستن کواکب و رد احکام نجوم است و ضمن آن شاعر با استفاده از ویژگی‌های هفت سیاره و برخی از صور فلکی تصویرسازی کرده است.

سه دختر بر فراز نعش بگذار
و گر خواهی به قطب چرخ بسیار

نویسنده منظور از «سه دختر» را در مصراع اول، سه ستاره صورت فلکی دب اکبر یا بنات نعش کبری دانسته است، که صحیح به نظر نمی‌رسد. صورت فلکی دب اصغر نیز «بنات نعش صغری» نامیده می‌شد و سه ستاره‌ای را که در دنباله آن قرار داشتند بنات می‌خواندند. خواجه می‌گوید که سه ستاره صورت بنات نعش صغری را به قطب معدل‌النهار بسیار. ستاره جدی، که در انتهای دب اصغر و پایان دم خرس جای دارد،

سهام هفت سیاره، برای اموری مانند عاقبت کار و حاجت یافتن و نیز برای دوازده خانه طالع سهمی را محاسبه می‌کردند و هر یک از سهام مبدأ و مقدار بعد مخصوص خود را داشت (برای محاسبه سهام‌های مختلف نک. شهمردان بن ابی‌الخیر، ۱۳۸۲: ۱۰۹-۱۱۴). دلالت کلی سهام‌ها در اصل تعیین سعادت و نحوست بوده است، به همین خاطر قدما برای عمر سهم مشتری (سعد اکبر) و برای مرگ و نابودی سهم زحل (نحس اکبر) را محاسبه می‌کرده‌اند. با این تفصیل منظور خواجه این است که سه سهم از هفت سهم ستارگان برای او در برج سرطان قرار گرفته‌اند و قرین سعد اکبر، مشتری، بوده‌اند که در آن برج در محل شرف خود قرار داشته‌است.

ماه، بر طبق گفته خواجه، در هنگام تولد او در برج سنبله و در یکی از دو منزل صرفه و عوا قرار داشته و نویسنده به درستی آن را تشخیص داده است، اما این امکان نیز وجود دارد که ماه در منزل پانزدهم قمر، یعنی «غفر» بوده باشد، که گویا بهترین منزل ماه و محل ولادت پیامبران است (ماهیار، ۱۳۹۴: ۱۸۵) زیرا برج سنبله برابر با منازل سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم قمر است (همان: ۱۸۳).

کشیده باده رخسند از طاس
به خوشه برفکنده جرعه از کاس

در این بیت نیز به احتمال زیاد منظور از کاس صورت فلکی جنوبی باطیه (Crater) است که در مجاورت صورت فلکی سنبله قرار دارد (عبدالرحمن صوفی، ۱۳۹۳: ۲۵۸).

نقد بخش دوم

تعیین تاریخ تولد خواجه به شمسی و قمری با اشعار هم‌خوانی دارد، اما اینکه در نرم‌افزارهای تبدیل تاریخ، دو تاریخ شمسی و قمری که خواجه آورده با هم مطابقت ندارند، به این علت است که تقویم شمسی امروزی با تقویم جلالی، که خواجه تاریخ تولدش را براساس آن آورده، یکی نیست. در تقویم فعلی، که مصوب سال ۱۳۰۴ شمسی است، شش ماه نخست سال ۳۱ روزه هستند، پنج ماه دوم ۳۰ روزه و آخرین ماه سال ۲۹ روزه، که هر چهار سال یک بار یک روز به آن اضافه می‌شود. اما در تقویم جلالی، تعداد روزهای ماه، براساس مدت توقف نسبی خورشید در هر یک از بروج، بین

نزدیک‌ترین کوکب به قطب و یکی از سه ستارهٔ بنات نعش صغری است (عبدالرحمن صوفی، ۱۳۹۳: ۲۹-۳۰).

سر غول سپهر از دوش بنداز
روان شیر چرخ از تن بپرداز

در این بیت، برخلاف آنچه نویسنده گفته، منظور از غول سپهر ستارهٔ رأس الغول از صورت فلکی برساوش (حامل رأس الغول)، که نویسنده به غلط صورت فلکی اش خوانده است، نیست. آن بخش از صورت فلکی برساوش که به سر غول معروف است و ستارهٔ رأس الغول در آن است، سری بریده را نشان می‌دهد و به تن متصل نیست تا شاعر از جدا کردن آن از دوش سخن بگوید (همان: ۷۹-۸۰). غول سپهر، مانند شیر چرخ، اضافهٔ تشبیهی است، اما به مناسبت بافت کلام، که مشحون از اصطلاحات نجومی و نام کواکب است، با نام ستاره و برج مذکور ایهام تناسب می‌سازد. همین ایهام تناسب در بیت زیر در دو معنی عام و اصطلاحی لفظ کشتی وجود دارد:

درین کشتی نشاید جان سپردن
ولی جان کی توان زین ورطه بردن؟

کشتی استعاره از علم احکام نجوم است، اما در معنی صورت فلکی سفینه، با نام سایر کواکب تناسب دارد.

قمر کو بر لب دریای اخضر
شود هر مه چو ماهیگیری از زر

بیت اینطور معنی شده است:

ماه در کنار دریای سبز آسمان هر ماه به ماهیگیری مشغول است.

با توجه به اینکه در بیت آمده قمر هر ماه به شکل ماهیگیری زرین در می‌آید، به نظر می‌رسد منظور هلال ماه نو باشد، که قلاب ماهیگیری زرین را تداعی می‌کند.

چو فلسی سرخ بیند در برابر
شود سوزنده چون گندم بر آذر

این بیت دربارهٔ عطارد است و در توضیح آن گفته شده، عطارد «همین که سکهٔ سرخی در برابر خود ببیند، همچون گندم بر آتش می‌سوزد». این توضیح راهی به معنی بیت نمی‌برد. فلس سرخ مصراع اول استعاره از خورشید است و

سوختن در مصراع دوم دربارهٔ پدیده‌ای نجومی به نام احتراق، که هنگام مقارنهٔ سیارات با خورشید، به ویژه مقارنهٔ عطارد و خورشید، رخ می‌دهد و در شعر دیگران هم آمده است (نک. ماهیار، ۱۳۹۴: ۳۷۸).

نواساز سپهر ارغنون‌پشت
چرا پیوسته دارد چنگ در مشت؟

در این بیت، پشت خمیده صفت زهره دانسته شده، که چنین نیست و صفت سپهر است.

گر از روی شرف صاحبقرانی است
چو روشن بازدانی شیربانی است

نویسنده در تفسیر این بیت دربارهٔ خورشید، «صاحبقران» را با «صاحب قرن» (شاخ) یکی شمرده و اشاره به برج حمل و خانهٔ شرف آفتاب دانسته است که صحیح به نظر نمی‌رسد. قران از اصطلاحات نجومی و به معنی جمع شدن دو کوکب یا بیشتر در یک درجهٔ یک برج است. قرانات در نجوم احکامی اهمیت بسیاری داشتند و مهم‌تر از همهٔ آنها قران زحل و مشتری بود، که آن را قران مطلق می‌دانستند. بین مشتری و زحل سه گونه قران واقع می‌شد: قران کوچک، قران میانه و قران بزرگ. اگر طالع مولودی در یکی از قرانات کوچک و در برج قران مشتری و زحل واقع می‌شد، به او صاحبقران می‌گفتند و چنین پیش‌بینی می‌کردند که او مقامی بلند خواهد یافت. البته، عده‌ای این ویژگی را به قران بزرگ نسبت می‌دادند (ماهیار، ۱۳۹۴: ۶۰۹). البته سیاق کلام معنی نجومی «شرف» را به ذهن می‌آورد، اما چون شاعر صراحتاً آفتاب را صاحبقران خوانده، معنی نجومی شرف در اینجا صحیح به نظر نمی‌رسد.

زحل کو هست پیری سالخورده
تصانیف نحوست بحث کرده

اگر سرپاتک هندی‌زبان است
نه آخر دل‌سودوزی سرشبان است؟

نویسنده در توضیح «سرپاتک» گفته است که نام یکی از حکام سیستان است، که صحیح نیست. در الهی‌نامه (عطارد، ۱۳۸۸: ۱۶۵) داستانی دربارهٔ حکیمی هندی به همین نام آمده، که اتفاقاً در علم تنجیم دست دارد (برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ او نک. همان:

۵۳۷-۵۳۹، تعلیقات) و این با وصف زحل، که «در تصانیف نحوست بحث کرده» سازگار تر است.

در پایان، جدول زایچه خواجو را، براساس اطلاعات ایبات ذکرشده، آورده‌ایم. در این جدول براساس طالع شاعر، که در جدی است، اوتاد اربعه طالع او، که منجمان در صدور احکام به آنها نیاز داشتند، و تأثیر سیارات صاحب خانه اوتاد، سیاره‌ای که برج وتد منسوب به اوست، را قوی می‌دانستند، مشخص شده است. البته نیاز به یادآوری نیست که چون عدد دقیق طالع خواجو را نداریم قادر به محاسبه دقیق اوتاد اربعه نیز نیستیم. در این تقسیم‌بندی، طالع یا وتد الطالع که برج در حال طلوع بود، خانه اول، وتد الارض که بر نیمه زیرین نصف النهار جای داشت خانه چهارم، وتد السماء، بر نیمه زبرین نصف النهار، خانه دهم و وتد غارب، برجی که در حال غروب از افق غربی است، خانه هفتم از دوازده خانه است (ماهیار، ۱۳۹۴: ۶۲۴-۶۲۵).

منابع

- بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۱). التفهیم لاوائل صناعة التنجیم. به تصحیح جلال‌الدین همایی. تهران: انجمن آثار ملی.
- شهردان‌بن‌ابی‌الخیر (۱۳۸۲). روضة المنجمین. به تصحیح جلیل‌اخوان زنجانی. تهران: میراث مکتوب.
- صوفی رازی، عبدالرحمن (۱۳۸۱). صورالکواکب. ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی. به‌کوشش بهرام مشیری. تهران: ققنوس.
- عطار، محمدبن ابراهیم (۱۳۸۸). الهی‌نامه. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- ماهیار، عباس (۱۳۹۴). نجوم قدیم و بازتاب آن در ادب فارسی. تهران: اطلاعات.

منابع اینترنتی

- تاریخ تقویم در ایران و کشورهای اسلامی - گاه‌شماری در ایران: <https://calendar.ut.ac.ir/Fa/CalHistory/CalHistory4-2-3.asp#4-2-4>

| | | | | | | |
|----------|----------|-------|-------------|-----------------|-----|----------|
| | | | وتد السماء | | | |
| | | سنبله | میزان | عقرب | | |
| | | ماه | | | | |
| | اسد | | | | قوس | |
| وتد طالع | وتد غارب | سرطان | زایچه خواجو | خورشید عطارد | جدی | وتد طالع |
| | | جوزا | | زهره | دلو | |
| | | | زحل | مریخ ذنب | | |
| | | | حمل | حوت | | |
| | | ثور | | | | |
| | | | وتد الارض | | | |

جدول زایچه خواجو بر اساس اشعار او